

فرهنگ کتابخوانی؛ موانع و راهکارها

هادی ربانی

گسترش فرهنگ کتابخوانی در جامعه ما موانع بسیار دارد. نخست باید این موانع را شناخت و سپس برای برداشتن آنها تلاش کرد. اگر مخاطبان کتاب و کسانی که سعی در تشویق آنها به کتابخوانی است، به چند گروه تقسیم شوند، بهتر می توان موانع موجود در گسترش کتابخوانی را در میان هر قشر شناخت و برای برداشتن این موانع کوشید.

۱. دانش آموزان

دانش آموزان کشور نزدیک به یک سوم جامعه را تشکیل می دهند. طبق آماري که در آغاز سال تحصیلی اعلام شد، حدود بیست میلیون دانش آموز در مدارس ایران مشغول به تحصیل هستند. میزان کتابخوانی و آشنایی با کتاب در خانواده های ایرانی بسیار اندک است، لذا پدر و مادری که خود عادت به مطالعه ندارند، طبعاً رغبت به مطالعه را نیز در کودک خود پرورش نمی دهند. کودک ایرانی به ناچار باید نخستین بار از طریق کتابخانه با کتاب آشنا شود و کتابخانه مدرسه نخستین منزلگاه اوست. بنابراین، اگر در صدد ترویج و گسترش فرهنگ

برای به سامان رساندن هرکاری، نخست فراهم آوردن مقدمات آن اجتناب ناپذیر است. بدون فراهم بودن مقدمات، یا کار به سامان نخواهد رسید، یا به صورت ناقص انجام خواهد گرفت؛ مثلاً در بنای ساختمان، تا مصالح و مواد لازم و نقشه و عوامل انسانی تدارک دیده نشود، نمی توان به ساخت و تکمیل آن امید داشت. در گسترش فرهنگ کتابخوانی نیز چنین است. فراگیر شدن فرهنگ کتابخوانی و نفوذ این فرهنگ در متن زندگی مردم، نیاز به فراهم آمدن مقدماتی دارد که بدون آنها نمی توان به این خواسته جامعه عمل پوشید. بنابراین، اگر بدون تدارک مقدمات لازم، امید به انجام این مهم داشته باشیم، حکایت خانه ای است که از پای بست ویران است و خواجه دربند نقش ایوان.

یکی از دلایل عدم رونق کتابخانه‌های مدارس در گذشته، فقدان کتابهای مناسب کودکان و نوجوانان بوده است. امروزه این مشکل کم و بیش از میان رفته است؛ به خصوص درباره ادبیات، کتابهای مناسبی منتشر شده است. با از میان رفتن این مشکل، ایجاد کتابخانه‌های مناسب و واقعی در مدارس امکانپذیر شده است.

در این نوشتار، پرداختن به تمام ابعاد کتابخانه‌های مدارس مورد نظر نیست. هدف اشاره‌ای گذرا بود به نقشی که این کتابخانه‌ها می‌توانند در گسترش فرهنگ کتابخوانی در جمعیتی نزدیک به بیست میلیون داشته باشند؛ قشری که مدرسه، برای اغلب آنها، نخستین جایی است که آنان را با کتاب آشنا می‌سازد. در صورت برطرف شدن موانعی که در تشکیل کتابخانه‌های مدارس وجود دارد، می‌توان با برنامه‌هایی این قشر عظیم را به کتاب و کتابخوانی ترغیب کرد. البته پس از تشکیل کتابخانه در مدارس، برای برقراری ارتباط مناسب دانش‌آموزان با کتاب، باید درس کتاب و کتابخانه در برنامه درسی دانش‌آموزان گنجانده شود. در این درس، دانش‌آموزان از نظر تئوری و عملی با مسایل کتاب و کتابخانه آشنا می‌شوند.

۲. دانشجویان

دانشجویان نسبت به دانش‌آموزان دسترس بهتری به کتابهای مورد نیاز خود دارند، چرا که اغلب دانشگاهها از کتابخانه برخوردارند. البته این بدین معنا نیست که کتابخانه‌های دانشگاهی کامل و بدون نقص‌اند. آنها نیز نیاز به تجهیزات و منابع لازم و به‌روز شدن دارند. البته مشکل اساسی دانشجویان نحوه دسترس به منابع مورد نیاز آنهاست که همچنان به حال خود باقی است؛ چون در مدرسه نیاموخته‌اند که از کتابخانه چگونه استفاده کنند و از چه طریقی می‌توانند به منابع

کتابخوانی هستیم، در وهله نخست باید مدارس ما مجهز به کتابخانه شوند. مدرسی که فاقد کتابخانه‌اند، چگونه می‌توانند دانش‌آموزان را به کتابخوانی ترغیب کنند؟ طبق آماري که اخیراً اعلام شده است، فقط یک سوم مدارس دولتی کشور از کتابخانه برخوردارند.^۱ این مسئله، اولاً نشانه کم‌اعتنایی دستگاه آموزشی به امر کتاب و کتابخوانی است؛ ثانیاً گویای این است که هنوز نقش آموزش کتابخانه در تنظیم برنامه‌های درسی و شکل اجرای این برنامه‌ها به درستی شناخته نشده است.

صرف نظر از نقشی که کتابخانه‌های مدارس در ترویج کتابخوانی دارند، کتابخانه در نظام آموزشی جدید، بخش جدایی‌ناپذیر هر آموزشگاه واقعی است و هدف از آموزش و پرورش، اندیشمند ساختن انسانها و گستردن افق ذهن آنهاست، تا به بینش و فرزاندگی و کمال دست یابند. آموزش یکسویه، که صرفاً بر حفظ و یادگیری چند کتاب محدود درسی تکیه می‌کند، نهایتاً انسانهای تک بعدی می‌سازد. زمانی برنامه آموزشی می‌تواند کامل باشد که غیر از کتابهای درسی، از مجموعه کتابهای مناسب نیز سود جوید. همین مجموعه است که دانش‌آموز را از تنگنای مفاهیم کتابهای درس آزاد می‌سازد، آموخته‌های او را گسترش می‌دهد و به دانش و آگاهی عمومی او غنا می‌بخشد و نهایتاً او را با دنیای کتابهای غیردرسی آشنا می‌کند و موجب گسترش فرهنگ کتابخوانی می‌گردد.^۲

اگر از این زاویه به مسئله بنگریم، ضرورت آشنایی دانش‌آموزان با کتاب و کتابخوانی، از همان سالهای نخست یادگیری، نمایان می‌شود و این مهم باید در برنامه آموزشی آنها گنجانده شود. طرح این مسئله زمانی ضروری می‌نماید که از کتابخانه و کتابخوانی، مفهومی غیر از مفهوم سنتی‌شان در ذهن داشته باشیم. آنچه ارزش کتابخانه را دوچندان می‌کند، شکل استفاده از آن است. حتی با تعداد اندکی کتاب می‌توان کتابخانه‌ای واقعی بنیان نهاد. آنچه مهم است، استفاده بهینه از کتب و مدارک گردآوری شده در کتابخانه است که ارزش حقیقی کتابخانه را نشان می‌دهد.

۱. ایران، ۲۳ مهر ۱۳۷۵، ص ۱۶.

۲. با استغاف از: کتابخانه‌های آموزشی، تهیه شده در مرکز خدمات کتابداری، تهران، ۱۳۵۵، چاپ دوم، ص ۱-۴.

درخوری به این مسئله شود، قطعاً شمار کتاب، از تعدادی که در حال حاضر در حدود سه هزار جلد است، تغییر چشمگیری خواهد کرد. به کارگیری کتابداران متخصص، فراهم آوردن فضا و مکان لازم و مناسب، بازبودن این کتابخانه‌ها در اغلب ساعات شبانه روز و... از مسایل دیگری است که می‌تواند در گسترش فرهنگ کتابخوانی مؤثر باشد.

راهکارهای گسترش فرهنگ کتابخوانی

۱. تبیین جایگاه کتابداران

از آن جاکه جایگاه کتابداران به خوبی تبیین نشده است، هرکس به راحتی می‌تواند در این جایگاه قرار گیرد، بدون این که از ویژگیهای لازم برخوردار باشد. برخی از بد حادثه به این کار پناه می‌برند. بی‌توجهی به جایگاه کتابداران، موجب عدم جذب نیروهای کارآمد شده است و کتابداران کتابخوان نیز اغلب به کارهای دیگر - مانند ترجمه و تألیف - روی آورده‌اند.

نحوه سرویس‌دهی و برخورد مناسب در کتابخانه‌ها نیز از مسایل مهم و قابل توجه در ترویج کتابخوانی است. کتابداران سربازان خط مقدم این جبهه‌اند که در صورت بی‌توجهی به آنها پیشرفتی در گسترش فرهنگ کتابخوانی به دست نخواهد آمد. بنابراین، بها دادن به کتابداران و بالابردن سطح آگاهیهای آنها نقش مهمی در نیل به این هدف دارد.

۲. نشریات ویژه نقد و بررسی کتاب

نشریاتی که به بررسی و نقد کتب می‌پردازند، بسیار اندک‌اند. این نشریات می‌توانند در گسترش کتابخوانی نقش مؤثری ایفا کنند. با کمکهای حمایتی ویژه از این گونه نشریات، باید در گسترش انتشار آنها کوشید. نیز می‌توان نشریاتی با موضوعات مختلف به عنوان پیک کتاب منتشر کرد.

مورد نیاز خود دست یابند تا در کار پژوهش موفق باشند. متأسفانه مشکل به حدی است که، به گفته یکی از اساتید دانشگاه، برخی از دانشجویان حتی روش استفاده از فرهنگهای رایج را نیز نمی‌دانند. برای رفع این مشکل، تدریس روش تحقیق، به عنوان درس عمومی، در تمامی رشته‌ها ضرورت دارد. بخشی از درس روش تحقیق نیز اختصاص به نحوه استفاده از کتابخانه دارد.

مشکل دیگر دانشجویان، شیوه مرسوم جزوه‌نویسی است. جزوه‌نویسی در کلاس و خواندن جزوه برای امتحان، موجب می‌شود دانشجو برای تحقیق در آن باره سراغ کتاب و کتابخانه نرود. برای فراگیر شدن کتابخوانی در میان دانشجویان، یکی از کارهای زیربنایی، تغییر این شیوه درسخوانی است.

۳. کتابخانه‌های عمومی

کتابخانه‌های عمومی، گذشته از این که در سالهای اخیر توجه درخوری به آنها شده است، تا رسیدن به مطلوب فاصله بسیار دارند. منظور از کتابخانه‌های عمومی، اعم از کتابخانه‌های شهری، روستایی، کارخانه‌ها، زندانها و... است. برای ترویج کتابخوانی در میان توده مردم، نخست باید این کتابخانه‌ها تشکیل شوند و از حداقل تجهیزات برخوردار گردند. سپس با ترغیب و تشویق، به گسترش فرهنگ کتابخوانی اهتمام شود.

کتابخانه‌های عمومی سه ضعف عمده دارند: ۱. تعداد آنها بسیار اندک است؛ ۲. مجموعه کتابهای آنها به‌روز نیست؛ ۳. کتابداران متخصص ندارند.

کتابخانه‌های عمومی آن‌قدر باید افزایش یابند که هرکس به راحتی بتواند به کتاب مورد نیاز خود دست یابد. در این زمینه ضعف آن قدر بسیار است که ممکن است کسی باور نکند شهر قم، با جمعیتی در حدود یک میلیون نفر، حتی از یک کتابخانه عمومی برخوردار نیست. البته قرار است نخستین کتابخانه عمومی این شهر به زودی افتتاح شود.

درباره به‌روز شدن کتابهای کتابخانه‌های عمومی، اگر توجه

دغدغه مشکلات روزمره، برای تولید و پدید آوردن آثار درخور و مناسب با نیازهای روز بکوشند. این حمایتها در حال حاضر نیز انجام می‌گیرد، ولی متناسب با مشکلات موجود بر سر راه خادمان کتاب و پدید آورندگان نیست.

۵. تبیین نقش کتابخوانی در پیشرفت جامعه

فرهنگ کتابخوانی باید در متن زندگی مردم نفوذ کند، و نقش کتابخوانی در پیشرفت جامعه و جایگاه آن در زندگی مردم به خوبی تبیین شود. این کار نیاز به تبلیغ گسترده و پیوسته دارد. گسترش فرهنگ کتابخوانی نباید فقط اختصاص به هفته کتاب داشته باشد. اختصاص هفته‌ای برای این کار مفید است، اما نباید از توجه به آن در سایر ایام غفلت داشت. با برنامه‌ریزیهای لازم برای این کار، با همکاری همه سازمانهایی که می‌توانند نقش داشته باشند، در طول سال باید به این مهم توجه شود و موانع موجود بر سر راه چنین برنامه‌ای برداشته شود.

۳. چاپ کتابهای ارزان قیمت

با افزایش قیمت کتاب در سالهای اخیر، قدرت خرید کتاب در همه قشرهای جامعه کاسته شده است. این مسئله لزوم انتشار کتابهای ارزان قیمت را دوچندان می‌کند. انتشار کتابهای جیبی و یا پالتویی، با کاغذ کاهی، متأسفانه در سالهای اخیر مورد توجه نبوده است. وزارت ارشاد می‌تواند برای تشویق ناشران چاپ به این گونه کتابهای ارزان قیمت، کمکهای حمایتی درخور به این کار اختصاص دهد. انتشار کتابهای ارزان قیمت در بسیاری از کشورها به خوبی انجام می‌گیرد و استقبال خوبی نیز از آن می‌شود.

۴. حمایت جدی از پدید آورندگان و خادمان نشر

برای تولید هرچه بهتر و متنوعتر آثار، نیاز به حمایت جدی از خادمان نشر و پدید آورندگان آثار است. این حمایتها باید به گونه‌ای باشد که هم خادمان نشر و هم پدید آورندگان، بدون